

من نشان می‌دهد که مثلاً بحرین، بوسنی، قزاقستان و ارمنستان نظر داده‌اند ولی از کشور ما با این همه افسراد تحصیل کرده و حرفه‌ای حتی یک نظر هم نرفته است. البته، ممکن است خیلی هم کارساز نباشد ولی به هر حال باید یک نظر از ایران برود. ما باید بتوانیم در کنفرانس‌های بین‌المللی سخنرانی ارائه کنیم، مثلاً در کنفرانس سال آینده که در استرالیا برگزار می‌شود، باید این توان را داشته باشیم که یک بحث هم ارائه بکنیم نه این که صرفاً برویم و مشاهده‌گر باشیم. در مورد پیش‌نویس‌های حسابرسی می‌توانیم گروهی پژوهشی مخصوص این کار تعیین کنیم که این پیش‌نویس‌ها را ترجمه کنند و بخوانند و در موارد لازم نظر بدهند. به این ترتیب ارتباط ما با فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) و دیگر نهادهای حرفه‌ای جهان تقویت می‌شود و جایگاه ما ارتقا پیدا می‌کند.

کار دیگری که در انجمن شروع کرده‌ایم و به ارتقای جایگاه انجمن مربوط می‌شود بحث مدارک حرفه‌ای است. فعلاً آزمون‌های حسابدار مدیریت خبره را شروع کردیم. امتحان دوره‌ی اول را هم برگزار کردیم و تعدادی از افراد حسابدار مدیریت خبره شدند. در مورد آزمون حسابدار مالی خبره نیز باید برنامه‌های آن را اجرا کنیم، آزمون آن انجام و مدارک حرفه‌ای تخصصی اعطا شود. در حال حاضر، در میان اعضای انجمن طیف‌های گوناگون وجود دارند. ما نه امتحان می‌گیریم و نه مصاحبه‌ی دشواری داریم. به این ترتیب می‌توانیم به برخی اعضا گواهی‌نامه‌های تخصصی حسابدار خبره‌ی مدیریت یا حسابدار خبره‌ی مالی بدهیم. از آن‌ها آزمون بگیریم و آموزش مستمر هم بگذاریم که دائم به‌روز شوند.

هم‌چنین پیشنهاد شده که انجمن‌های حرفه‌ای دور هم جمع شوند و یک شورای راهبردی تعیین کنند تا کارها را به‌طور مشترک انجام دهیم و استراتژی کلی داشته باشیم. یکی از استراتژی‌ها این است که مدیر مالی، رییس حسابداری

پروژه‌های پیش روی انجمن

این گونه بحث‌ها وجود ندارد. اشکالاتی در ساختارها، بورس و کمیته‌های حسابرسی ما وجود دارد. این‌ها مواردی است که باید از طرف یک نهاد بازگو شود. اگرچه انجمن‌هایی از قبیل ما، غیرسیاسی هستند، ولی به‌رحال بسیاری از مواردی از این دست به ما مربوط می‌شود. باید به سمتی حرکت کنیم که در هر جا که لازم باشد، بیانیه بدهیم. بعضی موارد خصوصی است و به یک وزارت‌خانه‌ی خاص برمی‌گردد و بعضی موارد باید عام باشد و در روزنامه‌ها خطاب به مردم گفته شود. در این مورد هم ضعف وجود دارد و شورای عالی باید درباره‌ی آن کار کند.

این مشکل در ابعاد خارجی هم وجود دارد. من همیشه غبطه خورده‌ام که چرا در مورد نظرسنجی‌هایی که آیفک انجام می‌دهد (و ما هم عضو آن هستیم) تاکنون هیچ نظری از ایران نرفته است؟ این مسأله در مورد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی IFRS هم وجود دارد. مثلاً راجع به گزارش حسابرسی در استاندارد، پیش‌نویس Exposure Draft ارائه می‌دهند. مشاهدات

رسالت و مأموریت اصلی انجمن اعتلای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی است. به این منظور، ارتقای جایگاه خود انجمن نیز مهم است و این دو به هم ارتباط دارند. ما باید جایگاه انجمن را ارتقا دهیم تا هر چه پیش‌تر در سطح جامعه مطرح شویم. این مطرح شدن هم ابعاد داخلی و هم ابعاد خارجی دارد. یکی از اشکالات ما در حرفه (هم در انجمن حسابداران خبره و هم در جامعه‌ی حسابداران رسمی) این است که در برابر تحولات اقتصادی واکنش نشان نمی‌دهیم. البته، ممکن است این واکنش انفرادی باشد، ولی به عنوان نهادی که قرار است صدای جامعه باشد، دخالت نمی‌کنیم و بیانیه نمی‌دهیم. مثلاً انجمن حسابداران گواهی‌شده‌ی مجاز ACCA بعد از سقوط مالی ۲۰۰۸ در مورد این واقعه بیانیه داد. در حال حاضر، در ایران بحث فساد گسترده مطرح است ولی از سوی انجمن حسابداران خبره یا جامعه بیانیه‌ای صادر نشده است؟ بخشی از فساد در اقتصاد ایران به خاطر مشکلات ناشی از فقدان «حاکمیت شرکتی» است. در شرکت‌های ایرانی اصلاً



منصور شمس احمدی

بارها پیشنهاد کرده‌ام که این دوره را به عنوان یک محصول جدید و مفصل‌تر از حالت فعلی، برای لیسانسیه‌هایی که تازه فارغ‌التحصیل شده‌اند نیز طراحی کنیم. در حال حاضر دانشجویی ما که از دانشگاه بیرون می‌آید، اگر بخواهد برود یک شرکت استخدام شود اگر دو سؤال از او پرسند، در پاسخ می‌ماند، اصلاً نه کامپیوتر دیده، نه سند زده و نه لیست حقوق تهیه کرده است. این دوره‌ی عملی را باید به عنوان یک محصول جدید ارائه دهیم. دانشجویی که این دوره را ببیند، برای بازار کار آماده می‌شود چون در آن دوره، تقریباً هر چیزی که در حسابداری (نه در سطح پیشرفته) اتفاق می‌افتد مثل سند زدن و ثبت کردن و تراز گرفتن و دفتر نوشتن و لیست حقوق و اظهارنامه و صورت‌های مالی به صورت کامل بیان می‌شود. در دوره‌ی فعلی، دارندگان لیسانس را نمی‌توانیم در کنار دیپلمه‌ها بنشانیم.

دوره‌های دیگر هم باید به شکل کاربردی برگزار شود. مثلاً در مورد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی نباید خود IFRS را درس بدهیم، بلکه باید مغایرت‌هایش را با ایران بگوییم. مثلاً بحث پیچیده‌ای مثل پرداخت مبتنی بر سهام share-based payment را مطرح می‌کنیم در حالی که آن را الان در ایران نداریم. بیش‌تر باید مغایرت‌ها را بگوییم. به دانشجوی یاد بدهیم که یک نمونه از صورت‌های مالی را بر اساس IFRS در نرم‌افزار اکسل آماده کند و صورت‌های مالی شرکت را به آن قالب بریزد تا به این ترتیب، دست کم قالب استاندارد را یاد بگیرد. در یک دوره‌ی کاربردی دانشجوی باید کارهای عملی انجام دهد و در کلاس ارائه دهد. به این ترتیب، ما در مرکز آموزش باید به سمت ارتقای کیفیت برویم. سمینارهای انجمن نیز در سال آینده با عناوین و مباحث جدید ادامه خواهد داشت. شورا هنوز در مورد موضوع سمینارها در سال آینده تصمیم نگرفته است ولی قطعاً یکی - دو سمینار خواهیم داشت. کارگاه‌های

case است. باید هزینه کنیم و موردهای کاربردی تهیه کنیم. این موردها در ابتدا می‌تواند ترجمه‌ای باشد مثلاً در ACCA موردهای زیادی وجود دارد. بعد از آن به مرور می‌توانیم وارد نمونه‌های واقعی شویم، گروهی در شرکت‌ها تحقیق کنند و موردهای واقعی بیاورند. در این باره جای کار بسیاری وجود دارد. تقاضای دانشجویان هم همین مسأله است. البته این یک بحث دوطرفه است. برای نمونه من خودم در مرکز انجمن، درس مدیریت مالی داشتم و برای مورد کاربردی سه شرکت سیمانی معرفی کردم. گفتم اطلاعات آن‌ها را از «کدال» استخراج کنید، هم وجه نقد و هم صورت‌های مالی دیگرش را تحلیل و در کلاس ارائه کنید. از تعداد ۳۰ نفر دانشجوی فقط یک نفر این کار را انجام داد! اگر



دانشجو عادت کند به این که بیاید کلاس یک چیزی گوش کند و برود، هیچ‌گاه کار عملی یاد نمی‌گیرد. در این مورد ما باید کار کنیم و هزینه‌های مربوطه را هم متحمل شویم. وقتی موردهای کاربردی عملی وجود داشته باشد دانشجویان هم به تدریج علاقه‌مند می‌شوند.

در حال حاضر در مرکز آموزش PACT یک دوره‌ی کاربردی برگزار می‌کنیم که دانشجویان از دیپلم می‌آیند و اصول حسابداری ۱ و ۲ می‌خوانند. بخشی از آن دوره کار کارگاهی است؛ می‌نشینند سند می‌زنند، اطلاعات را به کامپیوتر وارد می‌کنند، لیست حقوق می‌نویسند و خلاصه همه‌ی کارهایی را که در یک شرکت انجام می‌شود، به صورت عملی انجام می‌دهند. خیلی هم از این بخش استقبال شده است.

و رییس حسابرسی داخلی شرکت‌هایی که در ارتباط با منافع عمومی است (مثل شرکت‌های بورسی) حتماً باید یکی از این مدارک حرفه‌ای را داشته باشند. مگر می‌شود مدیر مالی یک شرکت بورسی بزرگ یک لیسانسه با ۴ سال سابقه‌ی کار باشد؟ نتیجه‌ی این روند، مشکلات فعلی است که می‌بینیم. این موضوع به شفافیت و جلوگیری از بروز برخی تقلب‌ها کمک می‌کند. به این ترتیب، این عنوان کم‌کم جایگاه خودش را در جامعه پیدا می‌کند. حسابرس داخلی یک شرکت بورسی الان هرکسی می‌تواند باشد. اگر کیفیت آموزش آن‌ها بالا باشد، خودبه‌خود جایگاه خودشان را هم پیدا می‌کنند. این هم برنامه‌ای است که امیدوارم با همکاری انجمن‌های دیگر انجام دهیم.

آموزش

یکی از رسالت‌ها و اهداف اصلی انجمن حسابداران خیره‌ی ایران فعالیت‌های آموزشی است. انجمن از زمان شروع فعالیت خود تاکنون از نظر کمی (تعداد اعضا، فعالیت‌های متنوع مرکز آموزش حسابداران خیره (PACT)، تعداد دانشجویان، میزان ساعت کلاس‌ها و...) رشد بالایی داشته است. به موازات آن، به نظر من اکنون وقت آن است که بیش‌تر در زمینه‌ی کیفی کار کنیم. هدف مرکز آموزش انجمن باید کاهش فاصله بین دانشگاه و عمل باشد. ما باید خلاء موجود بین این دو حوزه را پر کنیم. بنابراین آموزش‌های انجمن بیش‌تر باید کاربردی باشد. این که در کلاس مجموعه‌ای از اسلایدها ارائه کنیم و استانداردها را بخوانیم به درد دانشجویان نمی‌خورد. دانشجوی ما حس کرده که مشکل دارد و می‌خواهد مشکل خود را حل کند. این مشکل هم فقط با بحث‌های کاربردی حل می‌شود.

دوره‌های بلندمدت و ترتیب و فهرست عناوین درس‌ها باید بررسی شوند که با یکدیگر هم خوانی داشته باشد و چیزی از قلم نیفتد. مبحث دیگر موردهای کاربردی

آموزشی هم که فعلاً در pact در حال برگزاری است، باید گسترش پیدا کند.

حسابداری آینده‌نگر

باید تأکید کنیم که حسابداری ما گذشته‌گرا است. یعنی فقط شامل ثبت و ضبط و تهیه صورت‌های مالی و اظهارنامه می‌شود. در حالی که ما باید حسابداری آینده‌نگر را ترویج کنیم و آموزش دهیم. حسابداری آینده‌نگر یعنی چی؟ یعنی این که بیش‌تر روی بحث‌های تصمیم‌گیری و کنترل متمرکز باشیم. در دوره‌های حسابداری مدیریتی خبره هم تأکید ما روی همین موضوع است و می‌گوییم به مدیریت در تصمیم‌گیری‌هایش کمک کنید و برای مثال وقتی می‌خواهد محصولی را تولید یا متوقف کند به او صورت‌های مالی پیش‌بینی شده بدهید. الان مثلاً در چند شرکت می‌بینیم که برای سال ۱۳۹۷ سود و زیان و ترازنامه و صورت جریان وجه نقد بدهند؟ ما تاکنون حسابداری آینده‌نگر نداشتیم. یا اگر هم بوده خیلی کم بوده و فقط در حد بودجه‌ای بوده که شرکت‌ها تهیه می‌کنند و مثلاً ۲۰ درصد به صورت صوری به رقم‌های سال قبل اضافه می‌کنند. فقط یک پیش‌بینی سود سهام EPS برای شرکت‌های بورسی می‌دهند که آن هم فقط یک محاسبه‌ی سود و زیانی است. مدیر مالی باید در سناریوهای مختلف، صورت‌های مالی و قیمت‌گذاری محصول بدهد. الان قیمت‌گذاری محصول به صورت تاریخی است. مدیر شرکت اگر بخواهد در یک مناقصه شرکت کند، باید ببیند چه قدر باید قیمت بدهد و در این خصوص امروز کسی نیست به نیاز او پاسخ بدهد. یکی از اشکالات ما این است که فکر می‌کنیم همه چیز باید از نرم‌افزار استخراج شود، در حالی که کافی است یک فایل اکسل آماده کنیم و درخت‌واره‌ی محصول BOM را داخل آن بگذاریم و جای نرخ‌ها را هم خالی بگذاریم و بگوییم الان که دلار ۴۸۰۰ تومان شده، قیمت تمام‌شده‌ی محصول چه قدر می‌شود. این اطلاعات باید در حالت‌های مختلف قابل

محاسبه باشد. این‌گونه کارها در حرفه‌ی ما مغفول مانده است. دنیای امروز دوره‌ی این نوع کارهاست. اقتصاد مقاومتی فقط تولید بیش‌تر نیست، حتی تولید با کیفیت هم نیست بلکه تولید باکیفیت و باصرفه است. چه کسی قرار است این کار را انجام دهد و به صرفه بودن را تشخیص دهد؟ مدیر باید بتواند تصمیم بگیرد و برای این کار به اطلاعات مالی نیاز دارد. این ما هستیم که به‌عنوان حسابدار باید به مدیران در تصمیم‌گیری‌هایشان کمک کنیم. تاکنون بازار انحصاری بوده و هر کسی هر چیزی تولید می‌کرده، می‌فروخته و هزینه مهم نبوده است. اما کم‌کم داریم به سمتی می‌رویم که باید در ابعاد هزینه و کارایی در تصمیم‌گیری‌ها نقش آفرینی کنیم. حسابداران مدیریت می‌توانند در این



تصمیمات به مدیر کمک کنند. آموزش‌ها و سمینارهای ما نیز باید به سمت ترویج حسابداری آینده‌نگر برود.

حاکمیت شرکتی

بحث حاکمیت شرکتی Corporate governance بسیا مهم و کلیدی است و بدون آن اصلاً نمی‌توانیم در دنیای امروز به فعالیت اقتصادی ادامه دهیم. این قضیه هم در بُعد داخلی مهم است و هم در بُعد خارجی. شاید بتوانیم این بحث را در انجمن آغاز کنیم که کشور ما به یک قانون حاکمیت شرکتی نیاز دارد. انجمن باید شروع کند و وارد مقدمات آن شود تا شاید بعداً بتواند با همکاری «جامعه» و دیگر نهادهای حرفه‌ای پیش‌نویسی از یک قانون حاکمیت شرکتی ارائه دهد. مدل‌های موجود شاید جواب

ندهد. ممکن است به سمت مدلی برویم که بین مجمع و هیأت‌مدیره، یک هیأت نظارت قرار بگیرد. در برخی کشورها این حالت وجود دارد و حاکمیت شرکتی دولایه است. یعنی مجمع، هیأت‌نظارت را انتخاب می‌کند که همه مستقل‌اند و بعد هیأت‌مدیره قرار دارد. در آلمان و هلند این‌گونه است. شاید این مدل جواب بدهد. چون الان در مدلی که ما در ایران داریم هیأت‌مدیره فقط یک بار آخر سال به مجمع گزارش می‌دهد در حالی که هیأت‌نظارت می‌تواند نظارت دائم داشته باشد.

گسترش فعالیت در شهرستان‌ها

گسترش کلی فعالیت‌های انجمن در شهرستان‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. قبلاً هم بحث شده که انجمن در شهرهای بزرگ دفتر داشته باشد که می‌دانیم مزایا و معایب خودش را دارد. از سوی دیگر، باید بتوانیم به‌مدد تلگرام و شبکه‌های اجتماعی ارتباط‌مان را با اعضا بیش‌تر و مستمرتر کنیم. هم‌اکنون همه‌ی آموزش‌های ما متمرکز در pact و حضوری است ولی باید به سمت آموزش‌های مجازی و از راه دور برای شهرستان‌ها برویم. جای این مورد هم خالی است. برای کسانی که در شهرستان‌های دور زندگی می‌کنند، باید دوره‌های آموزش مجازی برگزار کنیم تا بتوانیم به اهداف آموزشی مورد نظر خود برسیم. مثلاً فیلم کلاس‌ها را می‌توانیم به صورت لوح فشرده ارائه کنیم. آموزش باید منتقل شود.

خوشبختانه شورای جدید، شورای جوانی است و ترکیب خوبی دارد و همه علاقه به همکاری دارند. امیدوارم در موارد مدارک حرفه‌ای در سال اول و در موارد دیگر هم کم‌کم به نتیجه برسیم. یکی از کارهایی که خیلی سریع می‌توانیم انجام دهیم ارتباط و تبادل اطلاعات با فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) است. شاید روزی برسد که بتوانیم کنفرانس‌های منطقه‌ای آیفک را در اصفهان یا شیراز برگزار کنیم. ■